

## بررسی ساختار اقتصادی و فعالان بازرگانی عصر تیموری

مرتضی شیاسی<sup>۱</sup>

### چکیده

برخلاف تصور همگان که تیمور را فردی شرور و غارتگر می‌دانند او فردی اقتصاددان بود که سیاست وی پس از تصرف شهرها بجای چپاول ثروت‌های، رونق اقتصاد شهرها بود. او پس از رسیدن به پادشاهی وارث ایرانی به تاراج رفته توسط مغولان بود. تاریخ ایران در عصر تیموری با تمام مصائب اولیه و هرج و مرج پایانی آن، شاهد تجارتی فعال، در ماوراءالنهر و خراسان، خلیج فارس و نواحی میان این دو بود. این مناطق به سبب پیوند ایران به جهان خارج به‌عنوان شاه‌رگ‌های اقتصادی آن دوران به شمار می‌رفتند و چرخه تجارتی پررونقی را پدید آوردند که رفاه و شکوه شهرهای این مرزوبوم و به‌ویژه هرات را موجب گشت.

هرچند این امپراتوری بیش از ۳۶ سال دوام نیاورد و شکوه و شوکت خود را مدیون تیمور بود، اما شاه‌رخ تنها جانشین شایسته وی توانست بخش اعظم امپراتوری را که به دلیل هرج و مرج ایجاد شده برای جانشینی تیمور ویران شده بود، حفظ و مرمت کند. تراکم ثروتی که تیمور در سمرقند فراهم ساخت، فروکش کردن جنگ‌های خانگی در ایران، برقراری امنیت در سراسر ایران در دوران تیمور و شاه‌رخ موجب شد تا راه‌های تجاری امن و آسوده گردد. اعطای زمین‌های بزرگ به شاهزادگان و امرای تابع و دست‌نشانده موجب شد تا اراضی زراعی و روستاها یک‌بار دیگر تحت نظارت مالکان به تولید محصولات زراعی مباردت کنند، شهرها خصوصاً در خراسان بزرگ مجدداً عمارت و آباد شدند و کارهای بزرگی در زمینه آبیاری صورت پذیرفت. تیموریان توانستند بعد از فاجعه یورش مغولان به ایران دورانی از ثبات اقتصادی، رونق و رفاه و پیشرفت اقتصادی را برای ایران پهناور و زرخیز فراهم سازند.

**واژه‌های کلیدی:** ایران، تیموریان، اقتصاد، سیاست.

---

۱. کارشناس ارشد مطالعات خلیج فارس دانشگاه چمران اهواز [Shiyasi1392@gmail.com](mailto:Shiyasi1392@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۴

سرزمین ایران از اعصار کهن همواره در معرض هجوم اقوام و ملل بیگانه قرار داشته و در طی حملات گاه مغلوب رقیبان شده و حکومت در دست بیگانگان قرار گرفته که طبعاً این تسلط شرایط خاصی را هم به همراه داشته است. از هجوم هیاطله و اسکندر در عهد باستان تا هجوم اعراب و مغول پس از اسلام که هرکدام به فراخور حال تأثیری بر جریان سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران نهاده‌اند. پس از هجوم ویرانگر مغول و استقرار ایلخانان در قرن هفتم و ایجاد ثبات نسبی در ایران مردم کمی روی آرامش به خود دیدند و اقتصاد کمی رونق یافت. اما با افول این سلسله یک دوره هرج و مرج و سر برآوردن حکومت‌های محلی مانند سربداران، طغایموریه، آل کرت و غیره تاریخ ایران را دوباره مضطرب نمود. در این بین تیمور از شرایط حاکم بهره کافی برد و با غلبه بر رقبا و حملات ویرانگر هفت‌ساله و پنج‌ساله و سه‌ساله هم یاد و خاطره چنگیز را زنده کرد و پایه‌گذار حکومتی جدید در ایران گردید (سرخوش و همکاران، ۱۳۹۵: ۳). دوره تیموری (۹۰۷-۷۸۲ هـ. ق.) یکی از نقطه‌های عطف تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ما محسوب می‌شود. با ورود این قوم خونریز و بیابان‌گرد، کشور ما نه تنها دچار کشتار، غارت و خونریزی شد، بلکه اوضاع اقتصادی، اجتماعی کشور نیز دچار تغییر و آشفستگی فراوان گردید (نوپین و معصومی نیارق، ۱۳۹۰: ۲۲۰). در منابع به دو جنبه از تاریخ تیموریان توجه زیادی شده است، یکی حملات و تاخت و تازهای تیمور که تا دریای مدیترانه پیش رفت و دیگری فعالیت‌های علمی مذهبی و فرهنگی انجام‌شده توسط فرزندان و نوادگان تیمور در ایران به‌ویژه هرات، که نشان از تأثیرپذیری آن‌ها از فرهنگ غنی ایرانی دارد. اما به نظر می‌رسد فعالیت‌های اقتصادی شاهان تیموری کمتر توجه مورخان و پژوهشگران را به خود جلب نموده است (سرخوش و همکاران، ۱۳۹۵: ۴). تیموریان اشتیاق و علاقه زیادی به بازسازی و آبادان نمودن شهرهایی داشتند که مقرر حکومتی آن‌ها بود. تا در آنجا بتوانند در سایه فعالیت‌های اقتصادی جایگاه سیاسی و فرهنگی خود را اعتلا بخشند. از طرفی همراه با رسد و شکوفایی مجدد شهرها در عهد تیموریان اصناف نیز به وجود آمدند. پیشه‌وران و اهل حرف و تجار خرده‌پا، که انواع خدمات را در



اختیار داشتند در صنّف‌هایی متشکل شدند. تیمور اغلب پیشه وران و ارباب حِرَف نظیر زره‌سازان، شیشه‌سازان، چینی‌سازان، تفنگ‌سازان، بافندگان، کمان سازان و نیز توپ‌سازان را به تعداد زیاد از شهرهای مفتوحه به اسارت آورده و در سمرقند اسکان داد. بازار سمرقند پر از کالاهایی بود که از شهرهای دوردست همچون روسیه و چین آمده بود. چرم و کتان از روسیه سرزمین دشت قبیچاق و از چین و ابریشم و پرنیان مرغوب و عالی و از هند ادویه تند و مرغوب، جوز هندی، میخک، پوست جوز و دارچین و زنجبیل وارد می‌شد. کالاهای وارداتی هنرمندان و صنعتگران چینی بیش از کالاهای دیگر در سمرقند جاذبه داشت. در سراسر شهر سمرقند میدان‌های پهناوری بود که در آن‌ها گوشت پخته و کباب شده و آش و طیور و شکار که به روشی مطبوع چخت شده بودند و همچنین نان و میوه‌های خوب و مرغوب به فروش می‌رسید. تیموریان که وارث زنجیره‌ای از شهرهای ایران و از رونق افتاده عهد مغولان و ایلخانان بودند، تمام همت خویش را مصروف آبادانی مجدد آن شهرها نمودند. در واقع تیموریان موجد واقعی احیاء نظام پیشه‌وری و اصناف و همچنین اعتلای بازرگانی و تجارت داخلی و خارجی در شهرهای مشرق ایران بودند که به تدریج تحولات زیادی را از سر گذرانید تا سرانجام در عهد صفویه اقتصاد ایران به بالاترین سطح خود به لحاظ رشد نظام اصناف و بازرگانی نائل گردید (رفیعی، ۱۳۸۶: ۷۸-۷۷).

فعالیت بازرگانی در زمان تیموریان همچنان پررونق و شکوفا بود. راه‌های تجاری از طریق سمرقند و تا حدودی از راه هرات به چین و هند وصل می‌شد. به واسطه انتقال مرکز حکومت از تبریز به سمرقند، از اهمیت بازرگانی این شهر کاسته شد. راه قدیم ابریشم از طریق خراسان به سمرقند و از آنجا به چین می‌رسید. رفت و آمد بازرگانی داخلی فلات ایران از جنوب، مستقیماً به تبریز نمی‌رسید، بلکه از چندین محور در راه غرب و مشرق نظیر سلطانیه، قزوین و ری و نیشابور بدان جا می‌پیوست. تیموریان نتوانستند پیوند اصلی توسعه و موقعیت بازرگانی قدیمی ایران در سلسله زنجیر تجارت شرق-غرب را حفظ نمایند زیرا ترکمانان قراقویونلو و سپس آق قویونلو غرب ایران را برای همیشه از دست تیموریان به درآوردند. شهرهای مهم خراسان و ماوراءالنهر همچون هرات و سمرقند، در



دوران فرمانروایی تیمور از رشد بالایی در امر تجارت خارجی و داخلی برخوردار شدند. تجارت خارجی خراسان علاوه بر محصولات مزارع و باغات فراوان حومه شهرهای خراسان در ظل حمایت و تشویق تیموریان و وجود منابع آبی محصولات فراوان و خوبی را به عمل می‌آورد. یکی از مشخصه‌های خاص طبقه بازرگانان از قرن هشتم هجری به بعد ارتباط تنگاتنگ آن با مالکان عمده بود (رفیعی، ۱۳۸۶: ۷۹). در دوره تیموریان به دلیل توجه سلاطین و امرا به احیاء زمین‌های کشاورزی و احیای کانال‌های آبرسانی، شهرهایی که در اثر جنگ‌های متوالی تیمور دچار خرابی شدند به سرعت رو به توسعه نهادند. چنان‌که کاتب یزدی می‌گوید: در یزد رفاه و آسایش خاصه مردم به مرتبه‌ای رسیده بود که بازاریان و کشاورزان مشکلی نداشتند و محصولات تولیدی را به بازارهای شهر می‌بردند و مردم لباس‌های ابریشمی می‌پوشیدند (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۱۷۶). صاحبان سیورغال‌ها، متولیان اراضی موقوفی و مالکان ملک برخلاف اسلافشان در صدر اسلام، ترجیح می‌دادند در شهرها که دور از اراضی‌شان و جزو شهروندان متنفذ به شمار می‌آمدند زندگی کنند. درآمدهای هنگفت آنان را قادر می‌ساخت تا در انواع فعالیت‌های بازرگانی شرکت جویند. آنان این کار را از راه سرمایه‌گذاری و تخصیص مقدار زیادی از محصولات کشاورزی به شاهزادگان تاجر در ازای دریافت سهمی از سودشان انجام می‌دادند. شرایط این کار آماده بود، چون حقوق رعایا از زمان تسلط مغولان همیشه به صورت جنسی پرداخت می‌شد. مالکان در جای خود قسمت اعظم ثروت خود را که در دادوستدهای بازرگانی نیازی به استفاده از آن نداشتند سرمایه‌گذاری می‌کردند (رفیعی، ۱۳۸۶: ۸۰).

هرچند در نتیجه گرایش‌های متفاوت سیاسی مشکلاتی وجود داشت اما تلاش تیموریان این بود که جهت‌گیری تجاری خود را فارغ از ملاحظات محض سیاسی تنظیم کنند. از این گذشته بخشی از تلاش‌های سیاسی و نظامی آن‌ها در راستای امور تجاری انجام می‌گرفت و به‌طور مشخص اهداف اقتصادی داشت. ایران نظیر یک کاروانسرا بود که تجار را از شرق به غرب، از استپ‌های آسیای مرکزی و جلگه‌های هند تا بنادر مدیترانه و شمال و جنوب پیوند می‌داد و نیز تجارت از رودخانه



روسیه تا سواحل خلیج فارس و از هند شرقی و هند و چین تا سرزمین اروپا در جریان بود (تاکسن و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۹۴).

با توجه به اهمیت بعد اقتصادی هر حکومت در دوام و ثبات آن، در این پژوهش برآنیم تا به یکی از ارکان اساسی هر حکومت یعنی اقتصاد و افراد یا نهادهایی که باعث رونق اقتصاد در عهد تیموریان پردازیم. سؤالاتی که در اینجا پیش می‌آید این است که ساختار اقتصاد ایران عصر تیموری به چه صورت بوده است؟ عوامل رونق اقتصاد در ایران عصر تیموری کدام‌اند؟ با توجه به اینکه شروع هر حکومت جدید با غارت و چپاول و مالیات‌های سنگین همراه است تا هم ایجاد رعب و وحشت نماید و هم مخارج قوای نظامی خود را برای لشکرکشی تأمین نماید و با توجه به خوی وحشی‌گری و کشورگشایی تیمور چنین امری ضروری به نظر می‌رسد و به نظر می‌آید دولت تیمور در بدو پایه‌گذاری بیشتر مخارج خود را از راه خراج و مالیات‌های سنگین جهت تجهیز ارتش خود تأمین می‌نمود. در این پژوهش برآنیم تا وضعیت اقتصادی ایران عصر تیموری را مورد بررسی قرار دهیم. شیوه تحقیق این پژوهش با بهره‌گیری از طریق شناسایی و گردآوری اسناد مربوطه به روش کتابخانه‌ای و مراجعه به آرشیوهای مختلف و نیز تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحقیق تاریخی و مبتنی بر اسناد و مدارک اصلی و معتبر می‌باشد.

**راه‌های تجاری مهم در زمان تیموری**

فعالیت بازرگانی در زمان تیموریان همچنان پر رونق و شکوفا بود. راه‌های تجاری از طریق سمرقند و تا حدودی از راه هرات به چین و هند وصل می‌شد. به واسطه انتقال مرکز حکومت از تبریز به سمرقند، اهمیت بازرگانی این شهر کاسته شد. راه قدیم ابریشم از طریق خراسان به سمرقند و از آنجا به چین می‌رسید. رفت و آمد بازرگانی داخلی فلات ایران از جنوب، مستقیماً به تبریز نمی‌رسید، بلکه از چندین محور موجود در راه غرب و شرق نظیر سلطانیه، قزوین، ری و نیشابور به آنجا می‌پیوست. تیموریان نتوانستند پیوند اصلی توسعه موقعیت بازرگانی قدیمی ایران در سلسله زنجیر تجارت شرق-



غرب را حفظ نمایند زیرا ترکمانان قراقویونلو و سپس آق قویونلو غرب ایران را برای همیشه از دست تیموریان به درآوردند. شهرهای مهم خراسان و ماوراءالنهر همچون هرات و سمرقند، در دوران تیموریان از رشد بالایی در امر تجارت خارجی و داخلی برخوردار شدند (رویمر و همکاران، ۱۳۷۹: ۲۴۲). این رونق تجارت به خاطر حمایت و تشویق سلاطین تیموری از تجارت و بازرگانی بود به طوری که اهل تجارت یکی از طبقات دوازده گانه اجتماعی جامعه تیموری محسوب می شد (تربتی، ۱۳۴۲: ۲۱۶). در این دوره هرات به مرکز بزرگ تجاری تبدیل شد و سرمایه داران بزرگی در آن ظهور کردند و امر دادوستد به علت وفور ثروت رونق خاصی داشت (مشکوتی، ۱۳۴۲: ۴۰۴). علاوه بر هرات شهرهای دیگر خراسان به مراکز تجاری تبدیل شدند. از جمله این شهرها نیشابور بود که هر روز کاروان‌هایی از مناطق مختلف به این شهر وارد و انبارهای آنجا از کالاهای مختلف پر بود و پارچه‌های ابریشمی و نخی را به سایر نواحی حمل می کردند و در این شهر برای هر صنف از بازرگانان کاروانسرای جدا از دیگر صنفا قرار داشت (مولوی، بی تا: ۱۱۴).

### منابع اقتصادی دولت تیموری

اقتصاد عصر تیموریان به طور اعم و تجارت به عنوان بخشی از اقتصاد شهری به طور خاص از ساخت سیاسی حاکم تأثیرپذیر بود (میر جعفری و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰۵). از دیرباز دولت‌ها دو منبع درآمد داشتند؛ یکی حلال و به حق و از لحاظ طبیعت اجتماعی قانونی و دیگر حرام و نا به حق و غیرقانونی. «آنچه حلال و قانونی بود از راه گرفتن مالیات متعادل از پیشه‌های صنعتی و کارهای کشاورزی و دامداری و امور بازرگانی و آنچه حرام و غیرقانونی، از بهره‌کشی روستائیان در املاک اقطاعی و خاصه و مصادره نا به حق مخالفان و غارت ملل و اقوام یا سرزمین‌های دادخواه یا اخذ باج‌های سرانه فراهم می‌گشت» (انصاف پور، ۲۵۳۶: ۲۰۶). در مورد نظام مالی عهد مغول و تیموری، همسان کل نظام حکومتی آن‌ها می‌توان گفت که: «به صورت تلفیقی عظیم و متناقض از شیوه استیلاگران صحرائین (تا حدی تحت تأثیر چنین مالیات سرانه) و سنت‌های کهن ایرانی که توسط خلافت عباسی اتخاذ



شده بود رایج گشت» (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۵۸). با توجه به پژوهش نوین و معصومی نیارق (۱۳۹۰)، عمده منابع درآمد دولت تیموری از راه باج<sup>۱</sup>، تمغا<sup>۲</sup>، پیشکش<sup>۳</sup>، خراج<sup>۴</sup>، زکات<sup>۵</sup>، مال<sup>۶</sup>، وقفی<sup>۷</sup>ات و بهره‌کشی مستقیم<sup>۸</sup> تأمین می‌شد.

### کانال‌های تجاری تیموریان

تیموریان در تعمیر جاده‌ها و امنیت آن‌ها اقداماتی مهم انجام دادند که باعث جذب بازرگانان، جهانگردان و صفرای زیادی گردید. اقدامات تیموریان باعث پیشرفت اوضاع تجاری گردید و مناطقی مانند سمرقند، بخارا، هرات، شیراز و یزد محل تجمع تجار و بازرگانان شد. (میر جعفری و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰۶). ماوراءالنهر به مرکز ثقل اقتصادی و بازرگانی تبدیل شد و شاهراه‌های بزرگ تجاری بیشتر از این نواحی عبور می‌کرد (تاج‌بخش، بی‌تا: ۶۴۸). در این دوره هرات سهم عمده‌ای در تجارت

۱. باج مالیاتی بود که از سرزمین‌های متفرقه گرفته می‌شد و همچنین پولی که راهداران از مسافران و تجار می‌گرفتند (معین ذیل باج).

۲. تمغا به مالیات‌های ارضی که در آن نیز بعضی از عناصر مساحی سنتی تنظیمات خراج همچنان باقی بود، گفته می‌شد. پس همه مالیات‌های تجارت و صنعت از سده هشتم تا دهم عنوان «تمغا» داشت (لمبتون، ۱۳۶۳: ۲۵۵).

۳. از مهم‌ترین عواید خزانه عامره، انواع «سوغات و پیشکش» بود که در فرصت‌های مقتضی از مردم گرفته می‌شد (لمبتون، ۱۳۶۳: ۲۶۱).

۴. خراج نوعی مالیات ارضی بود که از زمین‌هایی که به وسیله صلح به دست آمده بود، به صورت سهمی از محصول به جنس (خراج مقاسمه) و یا به نقد و مبلغ ثلث از هر جریب کوچک (قریب ۲۶۰۰ مترمربع) صرف‌نظر از میزان محصول (خراج مساحت) گرفته می‌شد. همچنین به آنچه از پادشاهان زیردست به دست می‌آمد نیز خراج می‌گفتند (لمبتون، ۱۳۶۳: ۲۵۱).

۵. از آنجاکه مالیات‌ها هیچ‌گونه هم‌خوانی و هماهنگی با شریعت اسلام نداشت، ارباب عمایم در همه ایام برای لغو تمغا، می‌کوشیدند. از زمان شاهرخ به بعد اصطلاح تمغا به منظور هم‌خوانی با احکام مذهبی جای خود را به واژه «زکات» داد. بنابراین مالیات، پیشه‌وران و بازرگانان و دامداران می‌بایست یک درهم از درآمد خود را به عنوان مالیات به دولت بپردازند (کمبریچ، ۱۳۶۳: ۲۵۱).

۶. شامل همه مالیات‌های منظمی بوده که به جنس پرداخته می‌شد (عمدتاً مالیات‌های کشاورزی) (کمبریچ، ۱۳۷۹: ۲۱۵).

۷. درآمد اراضی وقفی زمین‌های مزروعی و غیر مزروعی که خیرین و نیکوکاران آن را برای خرج مساجد و مدارس و بیمارستان‌ها وقف می‌کردند (انصاف پور، ۲۵۳۶: ۲۱۲).

۸. بیگار یا اجباری که از طبقه فرودست گرفته می‌شد (لمبتون، ۱۳۶۲: ۲۰۸).



به عهده داشت. این شهر محور اصلی و حیات بازرگانی و فکری آسیای مرکزی شد و مرکز تبادل کالا و محصولات کشاورزی شهرهای مختلف بود که به این شهرها سرازیر می‌شدند. شهرهای جیرفت، بم و هرمز مرکز اجتماع بازرگانان بودند و انواع کالاهای قیمتی مانند صدف و مروارید به سلطانیه و تبریز وارد می‌شد و در آنجا تبدیل به انگشتر و گوشواره می‌شد و به بازرگانان طرابوزان و کریمه و کشورهای دیگر که برای تجارت به آنجا آمده بودند تحویل داده می‌شد. هرکدام از ملل مانند مصر، شام، آذربایجان، عراق عرب، عراق عجم، خراسان ماوراءالنهر، ترکستان، دشت قبیچاق، چین، شرق آسیا، حبشه، هند، شهرهای ساحل شبه جزیره عربستان نمایندگانی در هرمز برای تجارت داشتند (آکا، ۲۶۰: ۱۳۹۰). شهر قم در دوره تیموریان از شهرهای تجاری و کلیدی عراق عجم بود. این شهر با قرار گرفتن در مسیر شاهراه‌های مواصلاتی و جاده‌های اصلی شمال به جنوب و شرق به غرب جای داشت و در مسیر سلطانیه، ری و خراسان از اهمیت خاصی برخوردار بود (مستوفی، ۱۳۸۰: ۳۷۱). قم در قرن هشتم و نهم هجری به دلیل ثبات سیاسی و اقدامات تجاری تیموریان و بازسازی خرابی‌های گذشته و رفاه و آسایش و ثبات سیاسی و اقتصادی روبه رشد و توسعه نهاد و تبدیل به شهری بزرگ شد. شهرهای دیگر مانند کاشان، نطنز و یزد که در مسیر جاده‌های ارتباطی قرار داشتند تولیدات ساخته شده را به شهرهای دیگر صادر می‌کردند و اکثر امرا و حاکمان شهر در امر تجارت و هنر سهیم بودند (نراقی، ۱۳۸۲: ۲۸۹). سلطانیه نقطه تلاقی تجارت دریایی و زمینی جهان مقارن با عصر تیموریان بود و ایران را به مهم‌ترین رابط بازرگانی میان آسیا و اروپا تبدیل کرد و از لحاظ بازرگانی و داد و ستد از تبریز اهمیت بیشتری پیدا کرد (رحمتی، ۱۳۹۱: ۵۲). از طریق سلطانیه کالاهای زیادی به دمشق و عثمانی صادر می‌شد و بازرگانان ژنو و ونیز برای خرید کالا راهی ایران می‌شدند. سرزمین فارس به مرکزیت شیراز با توجه به موقعیت جغرافیایی، بسیاری از بازرگانان را جذب می‌کرد و بازرگانان شیراز از راه‌های زمینی با سایر سرزمین‌های دوردست داخل و خارج ایران چه از طریق دریایی و بنادر جنوب از جمله بندر هرمز، جرون، سیراف، کیش و غیره با نواحی دیگر دادوستد داشتند (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲۵۰). در مناطق شمالی که در دوران تیموریان جزء مناطق





شاهزاده‌نشین بود، تولیدات ابریشم و صنایع چوبی برای بازرگانان و حکمرانان تیموری سود زیادی داشت و تیموریان تلاش می‌کردند قدرت خود را در این مناطق حفظ کنند و در آن زمان از مهم‌ترین مناطق تجاری محسوب می‌شد (روملو، ۱۳۴۹: ۱۱۶). با توجه به اهمیت بازرگانی و تجارت در رشد و توسعه حیات شهری، تیموریان در دوران خود تمام سعی و تلاش خود را به کار می‌بستند تا مناطقی که از لحاظ تجاری و اقتصادی اهمیت زیادی داشت را زیر سلطه درآورند. به همین دلیل مناطق ماوراءالنهر، خراسان، عراق عجم، مازندران، آذربایجان فارس که در مسیر راه‌های تجاری قرار داشتند، به‌عنوان مناطقی بودند که شاه‌رگ اقتصادی تیموریان وابسته به آن‌ها بود و جزء سرزمین‌های شاهزاده‌نشین محسوب می‌شدند (میر جعفری و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰۸).

### نظام پولی تیموریان

بررسی وضعیت سکه‌ها و نظام پولی هر حکومت در شناخت اوضاع اقتصادی آن حکومت اهمیت فراوانی دارد. سکه بازگوکننده وضعیت سیاسی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی است (طباطبایی، ۱۳۴۷: ۹). امیر تیمور در همان ابتدای حکومت خود، نظام پولی خود را بر پایه تک فلزی مسکوکات نقره‌ای مطابق اندازه سکه‌های خانان جغتایی بود استوار کرد ولی بعد از مدتی در سال ۸۲۹ ه. ق. اقدام به ضرب سکه نقره‌ای جدید کرد. این سکه، تنگه نقره نام داشت که برگرفته از واژه‌ای هندی بود. وزن هر تنگه نقره در زمان تیمور معادل ۵/۳۸ گرم بود که مزین به عبارت اسلامی بود. بعد از تیمور شاهرخ اقدام به ضرب گونه جدیدی از تنگه نقره‌ای کرد که نسبت به تنگه تیمور کاهش وزن داشت و به شاهرخی شهرت یافت (تاکسن و همکاران، ۱۳۸۴: ۷۱-۷۰). پول رایج دوره سلطان حسین بایقرا که عمده فعالیت‌های اقتصادی بر پایه آن تنظیم می‌شد مسکوکات نقره بود. سکه‌های متعددی در قلمرو وی ضرب شد که بر روی تمام سکه‌ها عبارت‌های مشابهی حک شده است.<sup>۱</sup> در این دوره مسکوکات با وزن تقریباً یکسان در قلمرو سلطان حسین بایقرا ضرب می‌شد که این سیستم پولی و

۱. بر روی سکه‌ها عنوان «السلطان الاعظم ابوالغازی حسین بها در خلدالله ملکه و سلطانه» و در پشت سکه‌ها عنوان «لا اله الا الله محمد رسول اله» و در حاشیه اسامی خلفای چهارگانه راشدین حک شده است (رحمتی و یوسفوند، ۱۳۹۲: ۹۱).



مالی تأثیر زیادی در روند رو به رشد اقتصاد مملکت و توسعه اقتصادی و گسترش تجارت در بازارهای داخلی و خارجی را سبب می‌شد (طباطبایی، ۱۳۵۰: ۱۴۰-۱۴۳). یکی از ویژگی‌های مسکوکات در دوره سلطان حسین بایقرا کاربرد نشانه‌گذاری ثانویه بر روی سکه بود که یک یا چند بار انجام می‌دادند، در واقع این کار برای تکثیر و رشد عایدات از طریق محاسبه واحد قیمت به‌منظور اعتبار بخشیدن به مسکوکات رایج در این دوره بوده است در این صورت چنانچه نرخ در بازار بالا می‌رفت و پول نیز ارزش واقعی خود را همچنان حفظ می‌کرد این سیاست پولی مظهر آن است که تمام قلمرو به لحاظ سیاسی و اقتصادی یکپارچه است (تقوی و نیک گفتار، ۱۳۹۴: ۹۹).

#### دیوان استیفا یا وزارت دارایی

دیوان استیفا اوضاع اقتصادی کشور را تحت کنترل خود داشت. به‌عبارت‌دیگر «دیوان استیفا یا بیت‌المال، نقش وزارت دارایی یا مالیه دوران تیموریان را بر عهده داشت. این دیوان به آنچه وارد بیت‌المال یا خزانه دولت می‌شد، یا از آن خارج می‌گردید، نظارت و رسیدگی داشت و ورودی و خروجی خزانه را در دفتری به نام روزنامه ثبت می‌کرد و در مواقع لزوم به نظر وزیر می‌رسانید. مستوفی، دیوان‌سالار یا وزیر دارایی، بعد از وزیر سپاه، سومین مقام به‌شمار می‌رفت» (لمبتون، ۱۳۶۳: ۱۰۲).

بر اساس قانون، همه مالیات‌های اخذشده به خزانه منتقل می‌شد؛ در کتاب «ظفرنامه شامی» می‌خوانیم: «عمال دیوان برحسب فرمان به توجیه و تحصیل مال امانی انگوریه قیام نمودند و آن را حاصل کرده به خزانه عامره رسانیدند» (یزدی، ۱۳۳۶: ۱۰۲). از طبقات شغلی در دیوان استیفا می‌توان بتکچی<sup>۱</sup>، تمغاچی<sup>۲</sup>، خازن<sup>۳</sup>، عامل<sup>۱</sup> و باج‌ستان<sup>۲</sup> را نام برد (نوبین و معصومی نیارق، ۱۳۹۵: ۲۲۴).

۱. «بتکچی مأمور صدور و بازدید از پروانه عبور و مرور از شهری به شهر دیگر بود» (معین ذیل بتکچی).  
 ۲. «کسی بود که به مال‌التجاره، بعد از وصول مالیات و عوارض، مهر و علامت مخصوص می‌زد و مأمور وصال خراج از مال‌التجاره بود» (معین ذیل تمغاچی).  
 ۳. گنجور خزانه شاهی و مسئول حفظ اموال و دارایی آن است (نوبین و معصومی نیارق، ۱۳۹۰: ۲۲۴).



به نظر می‌رسد دولت تا حدودی برای کنترل وضعیت اقتصادی از مسئولین مشاغل فوق به‌عنوان اهرم فشار (به‌صورت قانونی و هم به‌صورت غیرقانونی) استفاده می‌کرد. برخی محققین بیان داشتند که فشار تمغاجیان برای اخذ مالیات، تا به آن حد بود که اگر کسی بدون اجازه و مهر آن‌ها، سه چهارم کرباس می‌فروخت، تمغاجیان شهر و محل، چنین معامله‌ای را آشوب به می‌کشاندند. باج‌ستانان نیز همراه با تمغاجیان از قافله‌ها به بهانه‌های مختلف و با عناوین سوغات، پیشکش و سلامانه باج‌های هنگفت می‌گرفتند (نوبین و معصومی نیارق، ۱۳۹۰: ۲۲۴). در کتاب «مقامات جامی» به این منصب چنین اشاره می‌کند که وقتی جامی قصر سفر به سوی مکه می‌کند، سلطان حسین دستور می‌دهد تا: «چارپایان خاصه و متعلقان با او همراه شوند و به تمغاجیان و باج‌ستانان حدود و اطراف ممالک اعلام کنند که بار قافله را نگشایند و هیچ‌کس سوغات و پیشکش و سلامانه و غیر ذلک مزاحم و متعرض نگردند» (نظامی باخزری، ۱۳۷۱: ۱۶۴).

### فرقه نقشبندی و اقتصاد تیموریان

چس از حمله مصیبت‌بار مغول و حرمان‌های اجتماعی و اقتصادی آن، برخی از نخبگان تصوف برای کاهش آلام مردم ستم‌دیده، نگرش‌های مبتنی بر تارک‌دنیا و دوری از قدرت سیاسی که جریان غالب را تشکیل می‌دادند، به‌تدریج به حاشیه و به موضع اقلیت رانده شد. در آموزه‌های بکناش ولی نیشابوری، علاءالدوله سمنانی، شیخ خلیفه سبزواری، شیخ حسن جوری و به‌ویژه بهاءالدین نقشبند بخاری فردی که بنیان فرقه نقشبندیه را به وی منتسب می‌دهند می‌توان این جهت‌گیری جدید را ردیابی کرد. در تعلیمات نقشبندیان بود که سرانجام قرائتی از تصوف و زهد تدوین گردید که بیش‌ترین توجه را به معیشت و کار و کسب و بیش‌ترین فاصله را با رهبانیت و ترک دنیا داشت. اعتقاد و ارادت تیمور و جانشینانش به خواجگان نقشبندی تعلیمات تائید آمیز و هم عمل اقتصادی و سیاسی خواجگان در مورد کسب‌وکار، ثروت، به رسمیت شناختن قدرت دولت و تعامل با آن و ایده

۱. «به محصل مالیات عامل گفته می‌شود» (معین ذیل عامل).

۲. مأمورانی بودند که با استفاده از موقعیت دولتی خود در راه‌ها از قافله‌های تجاری باج می‌گرفتند.



خدمت به خلق، نشانه تحولی عظیم و مهم در بخشی از جریان تصوف به سوی آشتی با عوامل دنیوی و نفی تصوف تارک‌دنیایی است، رویکردی که نوعی تبیین اخلاقی درباره ارزش کسب‌وکار و سرمایه پدید آورد. تبیینی که شاید با تشبیه آن به چیزی که مارکس و بر «اخلاق پروتستانی» می‌نامند، بتوان بر اهمیت آن در حیات اقتصادی جامعه قرن نهم، تأکید نمود (الهیاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۸). وجه تمایز نقشبندیه از سایر طریقت‌ها، تأکید آن بر آموزه‌هایی سازگار با فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی بود. ذکر خفی خلوت در انجمن، خدمت و کار از مهم‌ترین این آموزه‌ها بود. دو اصل نخست به‌منظور سبک کردن بار آداب و مراسم و دو اصل دیگر باهدف تشویق نوع‌دوستی و کار و فعالیت مورد تأکید قرار گرفتند. این انگیزه‌های اقتصادی-اجتماعی به‌روشنی در این کلام معروف منسوب به غجدوانی منعکس شده است: «گرانی از خلق بر می‌باید داشت و این نمی‌شود الا به کسب حلال، دست به کار و دل به یار» (کاشفی، ۱۳۵۶: ۴۵۷). ارائه این اصول مقابله‌ای بود با تعالیم انزواگرایانه‌ای که مایه افول اقتصادی جامعه و مانعی در برابر حیات اقتصادی بودند. بهاء‌الدین محمد نقشبند در اواخر سده هشتم با تأکید بر این اصول و ترویج آن‌ها بود که به‌عنوان مؤسس طریقت شهرت یافت، طریقتی که به نام وی «نقشبندیه» خوانده شد (الهیاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۹).

درمجموع پیوندهای میان تیموریان و طریقت نقشبندی زمینه‌های مناسبی برای رواج این طریقت و اجرای تعالیم اقتصادی آن فراهم نمود. ساخت رباط‌ها و لنگرها تا مسافت یک تا دو ماه راه از سمرقند، تعیین مجاوران و اوقاف برای اداره و تأمین آن‌ها برقراری امنیت در راه‌ها و سلامت مسافران و تجار و دهقانان (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۲۴) از جمله اقداماتی بود که تیمور برای شکوفایی اقتصادی انجام دارد. نکته مهم در این مقوله، نشان دادن کارکرد مضاعف تجاری برای لنگرها است. لنگر، نامی بود که خواجه‌گان نقشبندی بعد از مغول در عوض خانقاه به کار می‌بردند (مظاهری، ۱۳۷۲: ۱۰۳). این نقش دوگانه هم پیوند وثیق نقشبندیان با تجارت و هم سهم تیموریان در تسهیل این پیوند را نشان می‌دهد. از این لنگرها بود که تجار نقشبندی هم کالا منتقل می‌کردند و هم طریقت خود را در میان مسافران دیگر و در طول راه‌های تجاری آسیا می‌گسترده‌اند. جذب و تقویت طبقه بازرگان، ایجاد مراکز



تجاری، فعالیت‌های تجاری نقشبندیان (محور شمال "خوارزم-بخارا"، محور جنوب "خراسان-خلیج فارس"، محور شرق "چین") و مبارزه با مالیات تمغا از مهم‌ترین کارکردهای تجاری نقشبندیان در زمان تیموریان بود (الهیاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۹).

یکی از چالش‌های دولت تیموری، که از سویی با اقتصاد و از سوی دیگر با شرع مربوط می‌شد، مسئله تمغا بود که مالیاتی بر «تجارت و صنایع» بود. منابع موجود نشان می‌دهند که خواجگان نقشبندی از همان اوان دولت تیموری، به مخالفت با این مالیات پرداخته‌اند. این مخالفت علاوه بر دلایل شرعی، دلایل اقتصادی نیز داشت، زیرا، چنانکه نشان داده شد، بخش زیادی از پیروان آن‌ها پیشه‌ور و بازرگان بودند. خواجه بهاءالدین نقشبند با اقدام درصدد بی‌اعتبار کردن این مالیات برآمد، نخست، تحریم خرید کالا از مغازه‌ها و کارگاه‌هایی که در سرمایه آن مال تمغا وجود داشت، دوم خودداری از قبول هدایا و نذورات مأموران اخذ تمغا (بخاری، ۱۳۸۳: ۱۶۴-۱۶۳). این تحریم‌های دوگانه، هم‌زمان سه هدف آگاه‌سازی، فشار اقتصادی و فشار معنوی و حیثیتی بر افراد ذینفع را برآورده می‌نمود. اما درگیری‌ها و تلاطمات نظامی-سیاسی در ماوراءالنهر امکان استفاده از حکومت برای مقابله با تمغا را به وی نمی‌داد (الهیاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۹).

#### سیاست‌های اقتصادی ایران در زمان پادشاهی تیمور

ظهور امیر تیمور دوره جدیدی را در تاریخ ایران ورق زد. وی به جنگ‌های داخلی اشرافیت زمین‌دار غارتگر و استثمارگر در ایران خاتمه داد و پس از جلوس بر اریکه قدرت در سمرقند (۷۷۱ ه. ق.) از اوضاع آشفته کشور استفاده کرد و با یکارشته جنگ‌های مکرر توانست در سراسر ایران، آسیای صغیر و بین‌النهرین را تصاحب کند. تیمور منافع اشرافیت زمین‌دار ترک و مغول و فارس را با یکدیگر گره زد و به آن‌ها نوید فتح سرزمین‌های آباد و پر ثروت را سر داد. هرچند این امپراتوری بیش از ۳۶ سال دوام نیاورد و تنها قائم به شخص تیمور بود، ولی نتایج این تمرکز حکومت تراکم ثروت بی‌کرانی بود که در مرکز امپراتوری برقرار گردید و راه‌های تجاری امن و آسوده گردید و با اعطای زمین‌های بزرگ



به شاهزادگان و امرای تابع دست‌نشانده، روستاها و اراضی زراعی یک‌بار دیگر تحت نظارت مالکان به تولید محصول مشغول گردیدند (رفیعی، ۱۳۸۶: ۶۴). پس از حمله و ویرانگری تیمور در هر منطقه و تصرف آن، عمران و آبادانی آن مناطق به سرعت در رأس امور قرار می‌گرفت. برخی لشکرکشی‌های تیمور را با تاخت‌وتاز مغولان مقایسه می‌کنند اما به سبب همین اقدامات عمرانی وی پس از حمله و تصرف مناطق، برخی خلاف آن را بارو دارند. بارتولد معتقد است: «خدمات تیمور از نظر آبادانی و عمرانی، بر خرابکاری‌هایش می‌چربد (بارتولد، ۱۳۳۶: ۷). تیمور در واقع در پی آن نبود که شهرهای مفتوحه را قارت و چپاول کند و ثروت آن‌ها را به تاراج ببرد، بلکه تمایل داشت دارایی منقول از هر نوع را در خدمت خود گمارد. به خصوص افراد کارآمدی چون اهل حرفه و پیشه‌ورانی که می‌توانستند موجب رشد و تحول سرزمین او شوند از اهمیت برخوردار بودند (میر جعفری و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۱۰). تیمور می‌کوشید تا عراق و کشورهای نواحی قفقاز و آسیای صغیر را که اکثر جاده‌های تجاری از شهرهای آن عبور می‌کرد را تسخیر کند. جاده‌های کاروان رو شمالی را که از نواحی مجاور کرانه دریای سیاه و صحراهای کرانه دریای خزر عبور می‌کردند و تیمور توان حفظ سلطه بر آن نواحی را در خود نمی‌دید را مسدود کرد (پیگولوسیکار و همکاران، ۱۳۵۴: ۴۲۹). آنان به این نکته مهم پی بردند که لازم است برای تأمین رفاه مردم و بهبود وضعیت اقتصادی، زراعت و تجارت را توسعه دهد. لذا امر زراعت مورد اهمال قرار نگرفت و در بسیاری از نقاط مملکت که تا آن زمان مسکونی نشده بود را آباد کردند و جوی‌های آب برای کشاورزی احداث نمودند (معین‌الدین نطنزی، ۱۳۸۳: ۲۲۴-۲۲۳). تیمور از همان اوان حملات خود به سایر سرزمین‌ها، درباره اهمیت اقتصاد برای مملکت تأکید می‌کرد و در تزوکیات می‌نویسد: «دولت و سلطنت به ملک و خزانه و لشکر، قائم می‌باشد» (تربتی، ۱۳۴۲: ۲۲). تیمور در شهرهایی که با او به مقاومت بر نمی‌خواستند به تجار مساعدت می‌کرد و شعار وی این بود که (دنیا با بازرگانان آباد است) (نوایی، ۱۳۴۱: ۱۲۷-۱۲۸). وی جهت تشویق مردم به زراعت، مقرراتی راجع به وضع مالیات و طریقه وصول آن وضع نمود و در بعضی مواقع مالیات را تخفیف می‌داد (تربتی، ۱۳۴۲: ۳۶۶-۳۶۲). به گفته شرف‌الدین «تیمور هرگز اجازه نمی‌داد زمین‌های



مستعد، لم یزرع بماند» (یزدی، ۱۳۳۶: ۱۳). تیمور فردی بود که به خونریزی و ویرانگری مشهور بود؛ باوجود این در اواخر حکومتش دین اسلام را پذیرفت و یکی از حامیان و مشوقان هنرهای اسلامی شد و به این ترتیب در هرکجای فتوحاتش، عالمی، هنرمندی، دانشمندی یا صنعتگری را سراغ داشت، به سمرقند گسیل می‌کرد و از هنر و صنعتش سودها می‌برد (عباس زاده و مندالی، ۱۳۹۴: ۱۱۳).

تیمور تمام توان خود را برای تشویق و ترغیب و رونق تجارت و صنعت امپراتوری به کار برد و ایران را به صورت یک بازار بین‌المللی درآورد (میر جعفری و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰۶). طی نامه‌ای به شارل ششم، پادشاه فرانسه، ضرورت اعزام بازرگانان از هر دو مورد حفظ احترام آنان اشاره کرده است (نوایی، ۱۳۴۱: ۱۲۷-۱۲۸). برخی از افراد مرتبط با تیمور همچون جغتاییان که از وفادارترین و مهم‌ترین سربازان تیمور بودند و مورد توجه خاص او بودند از پرداخت هرگونه مالیات معاف بودند (یزدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۰).

از سوی دیگر در این دوره به علت توجه زیاد تیمور به عمران و آبادانی سمرقند و ماوراءالنهر، که موطن اصلی او بود رفته‌رفته این نواحی به مرکز ثقل اقتصادی و بازرگانی تبدیل شد و شاهراه‌های بزرگ تجاری، بیشتر در این نواحی به وجود آمد (نوبین و معصومی نیارق، ۱۳۹۰: ۲۳۸).

یکی از ویژگی‌های اساسی دولت تیموری، نظام فئودالیسم بود که به‌عنوان پایه و اساس مادی برای سیستم نظامی عمل می‌کرد. نخستین بهره‌گیران این نظام، شاهزادگان و امیران و فرماندهان والای نظامی و روسای ایلات بودند؛ «اساس کار نظام فئودالی بر غارت دسترنج روستاییان قرار داشت. دولت‌هایی که دولت سابق را فروکشیده و جای آن را تسخیر و تصرف می‌کردند یا فاتحانی بیگانه که به مملکت هجوم آورده بودند، خواه یا ناخواه صاحب مقدار زیادی املاک مفتوحه می‌شدند و برای آنکه املاک را با بهره سرشار اداره کنند، به اقطاع می‌دادند. یعنی آن املاک زراعی را با مردمش و دسترنج آنان به مقاطعات در برابر پرداخت مبلغی سالانه می‌فروختند» (انصاف پور، ۱۳۷۵: ۱۹۷).

مردم در این سیستم اقتصادی و حکومتی آزاد نیستند؛ بلکه «در نتیجه قول و قرارها، هستی عده‌ای در دست بعضی دیگرانند، تا جایی که زحمتکشان نمی‌توانند مولد خود را ترک گویند به همین علت آن‌ها



را «خانه‌زاد» می‌گویند» (راوندی، ۱۳۵۴: ۳۰۳). در چنین سیستم حکومتی جامعه کاملاً شکل دوقطبی به خود می‌گیرد. دسته‌ای در فقر و فاقه دست‌وپنجه نرم می‌کنند و دسته‌ای دیگر در ناز و نعمت به سر می‌برند (نوبین و معصومی نیارق، ۱۳۹۰: ۲۳۳).

بعد از تیمور سقوط اقتصادی به تدریج بدتر شد؛ خسارت، تخریب و ویرانی، دزدی و غارت در کشور افزایش یافت. فتوحات که بیشتر غنائم فراوان جنگی از آن حاصل می‌شد، متوقف شد. مجموع این عوامل باعث شد که درآمدهای دستگاه مرکزی دولت تیموری و بزرگان فئودال سخت کاسته شود و «این خود باعث افزایش سنگین بار خراج و عوارض و بالملازمه تشدید بهره‌کشی فئودال‌ها از روستائیان در سراسر دوره تیموری شد. در آن زمان روستائیان در لبه پرتگاه فقر و نیستی قرار گرفته، وضع ایشان تحمل‌ناپذیر بود» (لمبتون، ۱۳۶۲: ۲۰۱).

#### سیاست‌های اقتصادی ایران در زمان پادشاهی شاهرخ

پس از مرگ تیمور، شاهرخ فرزند و جانشین او (۸۵۱-۸۰۸ هـ.ق) به پادشاهی رسید. «بر اثر نارضایتی عمومی مردم، ناچار به سیاست اجتماعی و اصلاحات ارضی و تعدیل مالیات‌های غازان خان رجعت کرد. ولی این اقدام علت را ریشه‌کن نساخت و مسکنی بیش نبود» (پطروشفسکی، ۱۳۵۷: ۱۲۲). مأموران حکومتی انواع مالیات را بر مردم فقیر تحمیل می‌کردند و مخارج فساد کاری و خوش‌گذرانی‌های خود را از جرائم و مالیات‌های تحمیلی بر طبقه ضعیف به دست می‌آوردند (نوبین و معصومی نیارق، ۱۳۹۰: ۲۳۴).

گفته می‌شود که در این دوره به‌ویژه در دوره شاهرخ تا حدودی تجارت مخصوصاً تجارت تا چین گسترش یافته بود. «البته هرگاه سنجشی میان واردات و صادرات به عمل آوریم، به وضع نابسامان و اسفناک صادرات به‌خوبی آشنایی می‌یابیم و ملاحظه خواهیم نمود که کار ردّ و بدل کردن کالا در میان نبوده و وضع تا اندازه‌ای زیادی یک‌طرفه می‌باشد» (رضی، ۱۳۴۱: ۴۷). شاهرخ تجار را «برید آفاق و نشر‌کننده اخلاف» (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۵۵۶) می‌خواند و رعایت حال آن‌ها را واجب می‌شمرده است.





یکی از علل شکوفایی نسبی اقتصاد در این دوره این است که «تیمور و بازماندگان او، علی‌الخصوص شاهرخ دستور بازسازی راه‌ها را دادند و در تمامی راه‌ها بام ساخته شد. همچنین آنان رباط‌های عالی و خواناتق زیاد بنا نهادند و در تمامی این راه‌ها راه‌داران و مستحفظان قرار دادند که این مأموران همراه با عده‌ای در رباط‌ها ساکن بودن و از راه‌ها نگهداری می‌کردند تا اگر دزدان به کاروانی زدند، بتوانند از عهده آن‌ها برآیند» (بریون، ۱۳۷۱: ۲۹۳).

پس از مرگ تیمور اوضاع داخلی امپراتوری تیموری به دلیل منازعات جانشینی آشفتگی شد و بعداً اینکه شاهرخ توانست به مدت چهار دهه آرامش را در بخش اصلی امپراتوری حاکم سازد، به فکر روابط سیاسی-اقتصادی با کشورهای همسایه افتاد. او فکر جهانگشایی تیمور را کنار گذاشت و شروع به ترمیم خرابی‌های وی مخصوصاً در شرق ایران نمود. در این راستا روابط سیاسی-اقتصادی با سرزمین چین در اولویت قرار گرفت. دو طرف به این واقعیت پی برده بودند که امنیت راه‌ها و آمدو شد کاروان‌های تجاری و روابط مسالمت‌آمیز به نفع هردوی آن‌هاست. مخصوصاً جاده بزرگ ابریشم که از چین شروع شده و از ایران عبور کرده به اروپا می‌رسد این انگیزه را تقویت می‌کرد و موجب شکوفایی و رونق تجارت شد. روابط سیاسی تا آخر عمر شاهرخ به صورت خیلی جدی ادامه داشت و بارها هیئت روسای سیاسی بین دو طرف ردوبدل شد. محور مذاکرات بر بهبود روابط بازرگانی و حفظ امنیت مرزها و تبادل سفرا دور می‌زد و ادعاهای بی‌اساس از سوی دو طرف کنار گذاشته شد. اصل مهمی که مورد توجه طرفین بوده راه‌های تجاری و کاروان رو بود (محمدی، ۱۳۹۵: ۷۰۴). شاهرخ از تشویق معماران، گچ‌کاران، صنعتگران، فضلا و هنرمندان و خوشنویسان و شاعران مضایقه نمود. به طوری که در مدت فرمانروایی او در هرات این شهر کانون علم و هنر و معماری دنیای اسلامی شد. مدارس و خانقاه‌ها و مساجد جامع عالی بنا نهاد (رفیعی، ۱۳۸۶: ۷۶). در دوره تیموریان با توجه به موقعیت شهرهای بیلقان و نخجوان و نزدیکی آن‌ها به رودخانه ارس برای زراعت و کشاورزی کانال‌های آب احداث نمودند که در اطراف جوی‌های آب مزارع زیادی احیا شد (علی یزدی، ۱۳۷۸: ۲۲۰/۳-۲۱۹). شاهرخ در هرات کانال آبی احداث کرد که به نام جوی ماهیگیر شهرت



پیدا کرد و زمین‌های زراعی در اطراف آن، که تا آن موقع بایر بودند به زیر کشت می‌رفت (میرخواند، ۱۳۸۰: ۴۷۸۲/۶). همچنین برای بازسازی سد مرو که آب آن از نهر مرغاب تأمین می‌شد امرای نامدار را مأمور آب‌رسانی به شهر مرو کرد و پانصد چفت گاو در امر زراعت به کار گمارده شدند و افراد زیادی از اطراف مملکت در اطراف زمین‌های کشاورزی سکونت اختیار کردند و به کشت محصولات پنبه، برنج و غلات مشغول شدند تا آنجا که در منطقه بادغیس به دلیل حاصلخیزی زمین از یک من غله که کشت می‌شد، گاهی صد من محصول به دست می‌آمد (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۹: ۱۴۴). بررسی مکتوبات تاریخی این دوره نشان می‌دهد که غارت و راهزنی کاروان‌ها در زمان شاهرخ به‌ندرت اتفاق می‌افتاده است. اما مدتی پس از درگذشت شاهرخ و بی‌ثباتی ناشی از شروع مجدد جنگ‌های جانشینی از حجم روابط تجاری و مبادلات سیاسی کاسته شد (محمدی، ۱۳۹۵: ۷۰۶). شاهرخ شهرهایی مانند سیستان و کرمان را که به علت شورش مکرر علیه حکومت رو به خرابی نهادند برای تسلیم مردم شورش‌ی دستور داد تا سدها را بشکنند و آن‌ها را در مضیقه آب قرار دهند و نیروهای شاهرخ به تخریب عمارت و دیه‌ها و باغ‌ها پرداختند که همین عامل با توجه به موقعیت جغرافیای منطقه و کمبود آب باعث از رونق افتادن آن منطقه و در مضیقه افتادن ساکنان آنجا شد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۲۷۲).

#### سیاست‌های اقتصادی ایران در زمان پادشاهی سلطان حسین بایقرا

سلطان حسین بایقرا به وضعیت اقتصادی توجه خاصی داشته است و در بخش تجارت مشکلاتی به وجود نیامد و معاملات تجاری با رونق و به سهولت انجام می‌گرفت شهرهای محل ضرب سکه در خراسان عبارت بودند از: استرآباد، بدخشان، بلخ، سنگان، خور، تون، دامغان، سبزوار، سلمقان، قندهار، کرین، ماخان، مشهد، نیشابور و هرات (تقوی و نیک گفتار، ۱۳۹۴: ۹۹). سلطان حسین بایقرا با احداث نهرها و ساخت قنات توانست صحراهای نواحی خراسان را آباد و مزروع کند. به طوری که صحرای قلبندان بر اثر احداث نهرها آباد گردید و خربزه و هندوانه‌هایی که در آنجا به دست می‌آمد



شیرین‌تر از سایر نواحی بود (زمچی اسفرزی، ۱۳۳۹: ۱۳۰-۱۳۱). به‌طورکلی بر اثر توجهات و اقدامات سلطان حسین بایقرا کشاورزی ترقی و رونق یافت. رونق کشاورزی در این دوره را دولتشاه سمرقندی این‌گونه بیان می‌کند: «آبادانی ملک و دولت و دهاقین به مرتبه‌ای رسیده که کیوان برتر نشین فلک هفتمین بر جمیع دهاقین روی زمین حاسد است و بازار خرمن سنبله از رشک این مزارع کاسد.» (سمرقندی، بی تا: ۶۰۹).

در خصوص نظام مالکیت اراضی اطلاعات چندانی از دوران سلطان حسین بایقرا در دست نداریم. اما آنچه مسلم است تقریباً همان مالکیت اراضی مغول کم‌وبیش حفظ شد و متداول‌ترین حالات مالکیت در عهد تیموریان شامل سیورغال<sup>۱</sup>، تیول<sup>۲</sup> و وقفی بود (رحمتی و یوسفوند، ۱۳۹۲: ۸۷).

#### نقش خراسان به‌عنوان شاه‌رگ اقتصادی امپراتوری تیموریان در زمان سلطان حسین بایقرا

خراسان یکی از بزرگ‌ترین ایالت امپراتوری تیموری محسوب می‌شد. زمین‌های حاصلخیز این منطقه و گذرگاه ارتباطی میان شرق و غرب آن روزگار محسوب می‌شد که این منطقه از نظر کشاورزی و تجاری حائز اهمیت باشد. خراسان در زمان شاه‌رخ پایتخت تیموریان شد و تا پایان حیات سیاسی این دولت نقش مرکزیت حکومتی را ایفا نمود. موقعیت جغرافیایی خراسان و تلاش سلاطین تیموری در بازسازی و مرمت این منطقه باعث شد که شهرهای خراسان آباد شوند و پیشرفت اقتصادی در این ایالت پهناور و زرخیز ایران فراهم شود (رحمتی و یوسفوند، ۱۳۹۲: ۸۱).

خراسان همین‌که پایتخت شاه‌رخ میرزا گردید روزبه‌روز آبادتر و پررونق‌تر گردید، شاه‌رخ در طی چهل‌وسه سال فرمانروایی در هرات از هیچ کوششی در راه ترمیم خرابی‌های این شهر کوتاهی نکرد. اغلب بازارهای هرات که در قدیم سرپوشیده نبودند و در مواقع بارندگی و برودت هوا کسبه و تجار به‌زحمت می‌افتادند، به دستور شاه‌رخ تمام بازارهای را سرپوشیده کرده و خیابان‌ها را ترمیم و

۱. زمین‌هایی که تیموریان در ازای خدمات جنگی به بستگان خود می‌دادند و به‌صورت موروثی از زمین‌ها استفاده می‌کردند و متداول‌ترین حالت مالکیت در عهد تیموریان بود (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۶۰).

۲. زمین‌هایی که دارنده آن می‌توانست مالیات را موقتاً برای خود وصول کند (لمبتون، ۱۳۶۲: ۲۰۶).



بازسازی کردند (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۱۱). گام اصلی در احیای زراعت و کشاورزی خراسان را شاهرخ انجام داد و در این دوران، کشاورزی ایران به بالاترین سطح آبادانی و فراوانی خود دست یافت (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۹: ۳۷۱). با مطالعه کتاب حافظ ابرو می‌توان به پیشرفت قابل توجهی که در عهد شاهرخ در امور کشاورزی صورت گرفته است پی برد. به‌طورکلی مورخان قرن نهم در این نکته اتفاق نظر دارند که عصر شاهرخ عصر ثبات سیاسی و شکوفایی اقتصادی بوده است.

پس از مرگ ابوسعید گورکانی، سلطان حسین بایقرا قدرت را در دست گرفت و حاکمیت خود را در خراسان ثبت نمود. اعتبار سلطان حسین بایقرا در تاریخ ایران در این است که وی باوجود درگیری و ستیزهای دودمانی و نزاع‌هایی که با مدعیان سلطنت داشت نوعی رفاه و امنیت نسبی را در خراسان به وجود آورده بود. با توجه به اینکه هرات زمان بایقرا مرکزیت علمی و فرهنگی داشته ساختن مکان‌های فرهنگی از مهم‌ترین توجهات سلطان بوده است که این خود نیز در رونق اقتصادی مؤثر بوده است. سلطان حسین بایقرا به‌منظور رواج اندیشه و ترویج علم و اخلاق که با معیشت و اقتصاد رابطه مستقیمی دارد به اوضاع اقتصادی توجه ویژه‌ای داشت. رونق اقتصادی در این زمان بیشتر در پرتو علاقه وی به عمران و آبادانی و همکاری میان مردم و حکومت بوده است و امنیت نسبی موجود در این عهد در بهبود وضعیت اقتصادی تأثیر زیادی داشته است. این امنیت باعث گردید که مردم در ولایت خود باقی مانده و به رونق و آبادانی فعالیت کشاورزی و تجاری بپردازند (رحمتی و یوسفوند، ۱۳۹۲: ۸۴). به دستور سلطان حسین بایقرا هر موقع روستائیان به دلیل عوامل طبیعی و آفات دچار قحطی و فقر می‌شدند و مسکن خود را ترک می‌کردند حکام و امرا باید از روستائیان دلجویی کرده و آن‌ها را به مهربانی به روستا بازگردانده و در گسترش زراعت به آن‌ها کمک می‌کردند (نظامی باخزری، ۱۳۵۷: ۲۹۲-۲۹۱). به‌عنوان مثال زمانی که روستائیان در اثر عوامل طبیعی دچار قحط و غلا می‌شدند، شاهرخ فرمان می‌داد هر چه غله از گندم و جو در انبارها موجود است بیرون آورند و به یک‌سوم قیمت بین مردم به فروش رسانند (تیموری، ۱۳۸۶: ۷۱).



از جمله اقدامات و اصلاحاتی که سلطان حسین بایقرا برای رونق تجارت انجام داد می‌توان به ایجاد امنیت و ثبات در راه‌های تجاری، احداث کاروانسراها، اصلاح وضعیت مالیاتی تجار و دادن نشان بازرگانی اشاره نمود (رحمتی و یوسفوند، ۱۳۹۲: ۸۹).

### برخورد شاهان تیموری با مفاسدین اقتصادی

بررسی منابع دوره تیموری نشان می‌دهد که اختلاس و سوءاستفاده‌های مالی در تمام این دوره در جریان بوده است (سرافرازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۸). شاهان تیموری مخصوصاً شاهرخ تیموری با وجود آگاهی از تخلفات، معمولاً ترجیح می‌دادند رسیدگی به امور و اصلاح وزرا را به شاهزادگان واگذار کند و تنها هنگامی که رسوایی چنان بالا می‌گرفت که قابل چشم‌پوشی نبود، رسماً دخالت می‌کرد. بنابراین این احتمال وجود دارد که شاهان تیموری برای شناخت کارگزاران مختلف و ممانعت از کار آنان، از سوءاستفاده‌های جزئی چشم‌پوشی کنند تا در زمان مناسب از آن‌ها استفاده شود. شاهان تیموری با اینکه شاهزادگان را مأمور رسیدگی به کار وزیران می‌کرد، اما افراد دیگری را هم برای زیر نظر گرفتن، شاهزادگان مأمور می‌کرد. در نتیجه به نظر می‌رسد در دسیسه‌بازی‌های دیوانی هم شخصیت قوی برای موفقیت لازم بود و هم اینکه همه بازیگران از فرودستان جاه‌طلب گرفته تا خود فرمانروا، از حسادت و زدوبند موجود در دیوان به‌عنوان وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کردند. بی‌اعتبار کردن پیشینه فرد، شیوه‌ای رایج برای پیشرفت بود و به نظر می‌رسد همیشه موضوع موردنیاز برای این کار یعنی زدن اتهام نیز در دسترس بود. در نتیجه برای فرمانروا، شاهزادگان و امرا، مؤثرترین راه مهار قدرت یک کارگزار، افشای سوء رفتارهای مالی یا زدن اتهام اختلاس به وی بود (سرافرازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۷-۶۶). یکی از ویژگی‌های تشکیلات اداری و نظام وزارت در عصر تیموریان انتخاب دو وزیر با مشارکت بوده است. اگرچه این شیوه پیش از تیموریان و در عصر ایلخانان نیز رایج بوده است. به نظر می‌رسد گستردگی کار وزارت، ترس از قدرتمند شدن وزیران و جلوگیری از دزدی و خیانت و تصرف اموال دیوان توسط آنان از دلایل مشترک در وزارت در عصر

تیموری بوده است (منز، ۱۳۹۰: ۴۰-۳۸). البته این مسئله نباید نادیده گرفته شود که اشتراکی بودن دو وزارت می‌توانست از قدرت و اختیارات بیش‌ازحد یک وزیر بکاهد به همان اندازه می‌توانست یک وزیر را هرچند به‌ناحق در موضع اتهام قرار دهد تا زمینه برای حذف او از مقام وزارت فراهم گردد (سرافرازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۶). از سوی دیگر وزیران برای به دست آوردن منصب مدام در حال رقابت، حسادت و توطئه‌چینی علیه یکدیگر بودند (اورعی قدیری، ۱۳۹۱: ۴۰-۳۸).

### وضعیت اقتصادی هنرمندان در ایران عصر تیموریان

در یک برآورد کلی همه نوع معیشتی در بین هنرمندان و صنعتگران این دوره دیده می‌شد. برخی از آن‌ها از خانواده اعیان و اشراف شهری بودند که در سلسله‌مراتب حکومتی نیز مناصب بالایی داشتند. این گروه در نهایت تمول زندگی کرده و اشتغال به هنر و صنعت برای آنان جنبه تفننی داشت. در میان این گروه افرادی نیز وجود داشتند که باوجود تمول، مشرب درویشی را در پیش گرفته و در نهایت سادگی زندگی می‌نمودند و اموال خود را در راه خیر و امور عام‌المنفعه و رسیدگی به حال مستضعفین و درویشان صرف می‌کردند (الهیاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۹). از جمله این افراد خواجه فخرالدین اوحد مستوفی از خطاطان و اعیان سبزواری بود که با وجود ثروت بسیار، زندگی درویشانه‌ای در پیش گرفته و با درویش، علما و ظرفا حشر و نشر می‌نمود (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۴۴۳). هنرمندان و صنعت‌گران درباری نیز که در دربار و در خدمت سلاطین و شاهزادگان به سر می‌بردند دارای سطح زندگی و معیشتی مناسبی بودند. این گروه از شرایط کاری، دستمزد و مزایای خوبی برخوردار بودند و کلیه مایحتاج زندگی آن‌ها توسط حکومت تأمین می‌شد. دسته‌ای از این هنرمندان و صنعتگران درباری گاه علاوه بر دریافت حقوق و مستمری مقرر، از انعامات و پاداش‌های ویژه‌ای نیز برخوردار می‌شدند که این پاداش‌ها، یا برحسب شایستگی و استعداد و توانایی فرد و یا بنا بر عنایت ویژه‌ای که سلاطین و دیگر درباریان به یک شخص داشتند به او واگذار می‌شد (نظامی باخزری، ۱۳۵۷: ۲۵۸-۲۵۵). گاه سلاطین و شاهزادگان با پرداخت دستمزدهای گزاف و اعطای انعامات شاهانه، سعی در جذب و



حفظ استادان معروف هنر و صنعت نزد خود داشتند. مانند شاهزاده بایسنقر میرزا در هرات و اسکندر سلطان و ابراهیم سلطان در شیراز که وجوه زیادی از خزانه دولت را صرف این امر می‌نمودند. این میزان ذوق و توجه سلاطین و شاهزادگان و سایر ارکان دولت تیموری به هنرمندان و صنعت‌گران سبب گردید برخی از نوابغ هنری این دوره که از لحاظ خاستگاه و مرتبه اجتماعی در پایین‌ترین مرتبه قرار داشتند به جمع هنرمندان و صنعت‌گران درباری راه یابند و زندگی پرتجمل و مرفه درباری را تجربه نمایند (الهیاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۰). از جمله این افراد سلطانعلی مشهدی است که کودکی و نوجوانی خود را در یتیمی و تنگدستی سپری نمود و سرانجام پس از طی سختی‌ها و مشقت بسیار به‌عنوان یکی از اساتید برتر خط نستعلیق وارد دربار شد. عبدالله طباطبائی هروی نیز پس از مدتی اشتغال به شغل پدری یعنی آشپزی، آن را رها نموده و با خواهش و کوشش بسیار به جمع شاگردان جعفر بایسنقری، که اغلب از شاهزادگان تیموری بودند، پیوست و از جمله خوشنویسان برتر دربار شاهرخ گردید (بیانی، ۱۳۶۳: ۳۶۰-۲۴۱). البته هنرمندان و صنعت‌گران مادامی‌که در خدمت دربار به سر می‌بردند از زندگی پرتجمل و مرفه آن بهره‌مند بودند و به محض کناره‌گیری از این خدمات، معمولاً زندگی پرمشقت و ساده‌ای را آغاز می‌نمودند. در این میان هنرمندان و صنعتگرانی نیز بودند که با وجود مهارت و توانمندی‌های بالای فنی و هنری در فقر و تنگدستی به سر می‌بردند. برخی از آن‌ها برای امرارمعاش و گذران زندگی مجبور به فعالیت در چندین زمینه و حتی ترک هنر و حرفه موردعلاقه خود و پرداختن به حرفه‌ای دیگر می‌شدند (الهیاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۱-۱۲۰).

### رونق صنعت هنر در ایران عصر تیموری

علاقه و اشتیاق زیاد تیمور به هنر منتهی به جمع نمودن کلیه هنرمندان و صنعت‌گران ایرانی مکتب بغداد که به‌عنوان دبستان جهانی عباسی (رابینسون، ۱۳۸۰: ۶۲) با تأثیرپذیری از افکار فنون بیزانسی و سنت بومی بود و هنرمندان و نقاشان چینی که متأثر عصر هنر و فرهنگ امپراتوری سلسله یوآن بودند در سمرقند و هرات شد. حضور آن‌ها باعث شد هنرمندان ایرانی با شیوه نقاشی آن‌ها آشنا شوند و از

آن‌ها تأییراتی بپذیرند. کلیه نقاشی‌ها از سال ۷۵۶-۶۵۶ ه. ق از نظر نمایش صورت‌ها، فرم جامه‌ها، عناصر گیاهی، منظره‌ها بیانگر تلفیقی هنرمندانه از نگارگری چین، ایران و بغداد است (الماسی، ۱۳۸۰: ۳۳-۳۲).

در بین اعضای خانواده سلطنتی شاهزادگانی چون بایسنقر میرزا و ابراهیم سلطان فرزندان شاهرخ در هنر خوشنویسی صاحب سبک بودند و آن‌ها را می‌توان در جایگاه هنرمندان برتر جامعه تیموری قلمداد نمود (الله یاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۶). شاهزاده بایسنقر در هرات یک کارگاه بزرگ تولید نسخ خطی تأسیس کرد که در آن به روایتی ۲۳ نفر (احسانی، ۱۳۶۸/۱: ۲۰) هنرمند و به روایتی دیگر ۴۰ نفر (زکی، ۱۳۷۲: ۱۲۷-۱۲۵) هنرمند از نقاش، تذهیب‌کار، خطاط، صحافی کار، خط کشان، جعبه‌سازان به‌طور جداگانه‌ای مشغول کار بودند. صنعت جلدسازی محدود به هرات نبود که در این امر پیشکسوت بود، بلکه مراکز دیگری در سمرقند، مرو، مشهد، بلخ، نیشابور، شیراز، تبریز (زکی، ۱۳۷۲: ۱۲۷-۱۲۵) وجود داشت.

در عصر تیموریان هنر روی چرم و پوست، قدر و منزلتی خاص یافت. هنر سوخت و معرق که در آن دوران به ساختن جلد کتاب‌ها محدود بود در مسیر تکامل قرار گرفته و به مرحله نوینی رسید. جلدهای بسیار نفیس ساخته شده در این دوران شاهکارهایی هنری هستند که در موزه‌های معتبر جهان نگهداری می‌شوند. هنرمندان مکتب هرات در کار طرح و نقش بیشتر از نقوش حیوانی (واقعی- افسانه‌ای) و مناظر خوش ترکیب الهام گرفته بودند. طرح‌های تذهیب (اسلیمی و خطایی) و نقش گره پز، جایگاه خاص خود را در این نقش‌آفرینی‌ها داشتند. رواج هنر کتاب‌سازی و کتاب‌آرایی در ممالک ترک، هند و مجلدان، صحافان دوره تیموری روش‌های هنری اسلامی ایرانی جلدسازی بر این صنعت در ونیز نیز تأثیر نهاد. مشهور است که اروپاییان در قرون وسطی جلد کتاب‌ها را با نقش و نگارهایی که به‌وسیله قالب‌های فلزی بر آن ترسیم می‌کردند، می‌آراستند و نقش و نگارهایی که پدید می‌آمد برجسته بود. آنگاه هنرمندان مسلمانی که در ونیز سکونت داشتند شیوه شرقی تزئین نقش‌های چاپ‌شده را که پر کردن بخش‌های فرورفته با رنگ‌های طلایی بود، به ونیزی‌ها یاد دادند (هوشیار و





حامدی، ۱۳۸۸: ۲۹). بسیاری از جلدسازان ایرانی که در ترکیه کار می‌کردند در قرن‌های نهم و دهم هجری قمری جلد‌های گران‌بهایی پدید آوردند که با آنچه همکارانشان در ایران می‌ساختند تفاوت چندانی نداشتند، تردیدی نیست که این جلد‌های ایرانی-ترکی در قرن نهم ه. ق. از دلپسندترین جلد‌های کتاب بود (زکی، ۱۳۷۲: ۱۲۷) به طوری که مؤلف کتاب هنر در عهد تیموریان در کتاب خود آورده است «سلاطین عثمانی و رجال دربار و وزراء قسطنطنیه و مدارس و مساجد بزرگ این پایتخت خلافت اسلامی کتابخانه‌های عظیمی داشتند و این آثار آواره که از هرات، بخارا، بلخ و سمرقند، قزوین، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز بدان مملکت می‌رسید، خلفای عثمانی و رجال آن دولت با ولع تمام می‌خریدند و در کتابخانه‌های خود حفظ می‌کردند (حبیبی، ۱۳۵۵: ۴۴).

### صنعت کاغذسازی

صنعت کاغذسازی از صنعت گران چینی در زمانی که اعراب سمرقند را فتح کردند در سال ۱۳۴ ه. ق. فرا گرفته شده است. در قرن نهم هجری که خط تا حد بالایی ترقی نمود ساختن کاغذ و خصوصاً کاغذهای قیمتی نیز ترقی کرد و به حدی که توانستند اقسام کاغذهای عالی از ابریشم و کتان بسازند و در نازک کردن و براق و رنگین نمودن آن توجه خاصی کرده‌اند و آن را برای نوشتن دواوین شعرا و اشعار زیبا و عالی به کار می‌بردند.

غالباً فرامین و اوامر پادشاهان و امراء تیموری روی این کاغذها نوشته می‌شود. مخصوصاً یک نوع از این کاغذ خیلی عالی و ممتاز، سفید بود و ساخت آن به ایران اختصاص داشت. این کاغذ را به واسطه تموجات و رگ‌هایی که داشته تشبیه به مرمر کرده و مرمری گفته‌اند که بیشتر فرامین و احکام دولتی روی آن نوشته می‌شده است. گذشته از آنچه در ایران ساخته می‌شد و یکی از شهرهای تولید آن تبریز بود، تیموریان انواع دیگری از کاغذهای عالی و ممتاز را از چین وارد می‌کردند (زکی، ۱۳۷۷: ۷۰).

## نتیجه‌گیری

استمرار و تداوم حکومت تیموریان، مخصوصاً در خراسان و ماوراءالنهر بی‌تردید رونق و آبادانی آن دسته از شهرها و روستاهایی شد که در نتیجه ایلغار مغولان و بازماندگان آنها در اولوس جغتای به ویرانی و تباهی کشیده شده بود. شهرهایی نظیر سمرقند، بخارا، بلخ، نیشابور، هرات، خوارزم، مرو، ری و قزوین در اثر یورش مغولان به شدت آسیب دید و صدمه خورد. در دوران شاهرخ هرات پایتخت اصلی تیموریان شد و تا پایان حیات سیاسی این دولت نیز نقش مرکزیت حکومتی را ایفا نمود. شاهرخ عمران و آبادی هرات را حتی از سمرقند نیز اعتلاء بخشید. شاهرخ تمام همت و تلاش خود را به کاربرد تا این شهر را روزبه‌روز آبادتر و پررونق‌تر نماید. وی خرابی‌های شهر را ترمیم کرده، بازارهای شهر را رونق بخشید. مدارس و مساجد عالی در این شهر بنا نمود و هرات را کانون علم و هنر و معماری و پیشرفت در زمینه اقتصادی و اجتماعی تبدیل نمود. علاوه بر هرات شهرهایی نظیر نیشابور، مرو، بلخ و سایر شهرها و روستاهای خراسان و ماوراءالنهر بازسازی و آباد شد و رفاه و رونق به این شهرها بازگشت. اما در نهایت حملات مکرر ترکمان‌های قراقویونلو و آق قویونلو از طرف غرب و ازبک‌ها از طرف شرق اجازه توسعه بیشتر اقتصادی-اجتماعی شهرهای تحت اداره تیموریان را نداد و عاقبت این دولت توسط ازبک‌ها در ۹۱۳ ه. ق. منقرض شد.

## منابع

آکا، اسماعیل (۱۳۹۰). «فعالیت‌های عمرانی تیموریان در دوره سلطنت شاهرخ میرزا»، ترجمه اکبر صبوری، ماهنامه رشد آموزش تاریخ.

ابن بطوطه (بی تا). سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: آگه.

احسانی، محمدتقی (۱۳۸۲). جلد‌ها و قلمدان‌ها، تهران: امیرکبیر.

الماسی، مهدی (۱۳۸۰). سیری در نگارستان نقاشی ایران، تهران: کانون پرورش کودکان و نوجوانان.



- الهیاری، فریدون، و دیگران (۱۳۹۵). «تبیین موقعیت ناهمگون هنرمندان و صنعتگران در جامعه عصر تیموریان»، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ش ۱۸.
- الهیاری، فریدون، و دیگران (۱۳۸۸). «طریقت و تجارت؛ کارکردهای تجاری طریقت نقشبندیه در دوره تیموری»، *فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س)*، ش ۴.
- انصاف پور، غلامرضا (۱۳۷۶). *ساخت دولت در ایران از اسلام تا یورش مغول*، تهران: امیرکبیر.
- اورعی قدیری، مریم و دیگران (۱۳۹۱). «مناسبات وزیران و امیران در عصر تیموری»، *فصلنامه تاریخ و فرهنگ*، س ۴۴ ش ۸۹.
- بارتولد، واسیلی (۱۳۷۶). *پژوهشی در تشکیلات دیوانی اسلامی*، ترجمه غلامرضا ورهرام، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بخاری، صلاح بن مبارک (۱۳۸۳). *انیس الطالبین و عدّه السّالکین*، تصحیح خلیل ابراهیم صاری اوغلی، به کوشش توفیق سبحانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بریون، مارسل (۱۳۷۱). *منم تیمور جهانگشا، سرگذشت تیمور به قلم خود او*، ترجمه ذبیح‌الله منصور، تهران: مستوفی.
- بیانی، مهدی (۱۳۶۳). *احوال و آثار خوشنویسان*، تهران: علمی.
- پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ (۱۳۵۷). *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: نیل.
- پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ، یان، کارل و اسمیت، جان ماسون (۱۳۶۶). *تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران در دوره مغول*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: اطلاعات.
- پیگو لوسکایا (۱۳۵۴). *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی*، تهران: پیام.
- تاکسن، همکاران (۱۳۸۴). *تیموریان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- تربتی، ابوطالب حسینی (۱۳۴۲). *تزوکات تیموری*، تهران: اسدی.



تقوی، عابد و نیک گفتار، احمد (۱۳۹۴). «سکه‌شناسی در دوران شاه سلطان حسین بایقرا در محدوده تاریخی خراسان بزرگ با تکیه بر رویکرد مذهبی»، فصلنامه خراسان بزرگ، س ۶، ش ۲۰.  
حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی (۱۳۸۰). زبده التواریخ، به تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۰). جغرافیای تاریخی خراسان، تصحیح و تعلیق غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات.

حیبی، عبدالحی (۱۳۵۵). هنر در عهد تیموریان و متفرعات آن، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.  
حیدری هوشیار، آذر و حامدی، محمدرضا (۱۳۸۸). «هنرهای ظریفه عصر تیموری»، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ، س ۱۴، ش ۱۵.

رابینسون، بد (۱۳۸۰). تاریخ میراث ایران، ترجمه جان زاده، تهران: جان زاده.  
راوندی، مرتضی (۱۳۵۴). تاریخ اجتماعی ایران، تهران: سپهر.  
رحمتی، محسن و یوسفوند، فاطمه (۱۳۹۲). «سلطان حسین بایقرا و حیات اقتصادی خراسان»، دوفصلنامه تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، س ۴، ش ۷.

رحمتی، محمدرضا (۱۳۹۱). «قم، مرکز عراق عجم در عهد شاهرخ تیموری»، فصلنامه تاریخ اسلام، س ۲، ش ۶.

رفیعی، امیر تیمور (۱۳۸۶). «سیری در اوضاع اقتصادی خراسان بزرگ در عهد تیموری»، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ، س ۲، ش ۶.

روملو، حسن بیک (۱۳۴۹). احسن التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.

رویمر، هانس روبرت، ر و دیگران (۱۳۷۹). تاریخ ایران کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی.  
زکی، محمدحسن (۱۳۷۲). تاریخ نقاشی ایران، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی، تهران: سحاب.



- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷). هنر ایران، ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی، تهران: صدای معاصر.
- زمچی اسفرزی، معین‌الدین محمد (۱۳۳۹). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، تصحیح و حواشی سید محمد کاظم امام، تهران: دانشگاه تهران.
- سمرقندی، دولت‌شاه (بی‌تا)، *تذکره الشعراء*، تصحیح محمد عباسی، طهران: کتابخانه بارانی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). *تذکره الشعراء*، تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر.
- سرافرازی، عباس، جوان، رحیم و ادوای، مظهر (۱۳۹۴). «سوءاستفاده مالی دوره تیموری در منطقه جام، دوره وزارت خواجه غیاث‌الدین پیر احمد خوافی»، *فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ش ۱۷.
- سرخوش، رضا، (۱۳۹۵). «اقتصاد در عهد تیموریان»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی*، دانشگاه خوارزمی، گروه تاریخ.
- عباس زاده، خداویردی و مندالی، امیر (۱۳۹۴). «نقش حاکمان تیموری در تحول خوشنویسی اسلامی»، *مجله بهارستان سخن*، ش ۲۸.
- کاتب یزدی، احمد بن حسین (۱۳۸۶). *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- طباطبایی، سید جمال (۱۳۴۷)، *سکه‌های اسلامی دوره ایلخانی و گورکانی*، تبریز: شعاع.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۰). *سکه‌های شاهان اسلامی ایران*، تبریز: شفق؛ توفیق.
- کاشف، فخرالدین علی بن حسین واعظ (۱۳۵۶). *رشحات عین الحیات*، تصحیح علی‌اصغر معینیان، تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانین.
- لمبتون، آ، ک (۱۳۶۲)، *مالک و زراع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۳). *سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.
- محمدی، مسعود (۱۳۹۵). *بررسی روابط خارجی ایران در دوره حکومت تیموریان*، همایش، روانشناسی و علوم اجتماعی



- مشکوتی، نصرالله (۱۳۴۲). *از سلاجقه تا صفویه*، تهران: بانک بازرگانی ایران.
- معینی یزدی، ربابه و دیگران (۱۳۹۱). «سپاه ایالات در عصر تیموریان»، *فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های علوم تاریخی*، ش ۱.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۸۱). *تاریخ گزیده*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- مولوی، عبدالحمید (بی‌تا). *آثار باستانی خراسان*، تهران: انجمن آثار ملی.
- مظاهری، علی (۱۳۷۲). *جاده ابریشم*، ترجمه ملک ناصر نوبان، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- منز، بنا تریس (۱۳۹۰). *قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری*، ترجمه جواد عباسی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- میر جعفری، حسین، و دیگران (۱۳۹۴). «عوامل رشد و زوال شهرهای ایران در عصر تیموریان»، *فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ش ۱۷.
- میرخواند، محمد بن خاوند شاه بن محمود (۱۳۸۰). *تاریخ روضه الصفا*، تصحیح جمشید کیان فر، تهران: اساطیر.
- نطنزی، معین‌الدین (۱۳۸۳). *منتخب التواریخ معینی*، به اهتمام پروین استخری، تهران: اساطیر.
- نظامی باخزری، عبدالواسع (۱۳۷۱). *مقامات جامی، گوشه‌هایی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی خراسان در عصر تیموریان*، به تصحیح و مقدمه نجیب مایل هروی، تهران: نی.
- نظامی باخزری، عبدالواسع (۱۳۵۷). *منشأ الانشا*، به کوشش رکن‌الدین همایونفر، ایران: دانشگاه ملی ایران.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۴۱). *اسناد و مکاتبات خارجی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.



نوین، حسین و معصومی نیارق، یاسمن (۱۳۹۰). «بازتاب اوضاع اقتصادی در ادبیات دوره تیموری (بر مبنای دیوان اشعار کمال خجندی، نعمت الله ولی، قاسم انوار، عبدالرحمن جامی، امیر پازواری و شمس مغربی)»، مجله تاریخ و ادبیات، ش ۳.

یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۶۳). *ظفرنامه*، تصحیح و اهتمام محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). *ظفرنامه*، تصحیح سید سعید میر محمد صادق و عبدالحسین نوایی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی